

## بررسی وضعیت «گیاهان دارویی» کشور در میزگرد تخصصی «طبیعت ایران» از رؤیای فتح بازارهای جهانی تا چشم‌انتظاری برای تدوین استاندارد!

«طبیعت ایران» در سلسله مباحث کارشناسی و برگزاری میزگردهای تخصصی، این بار وضعیت تولید و عرضه گیاهان دارویی کشور را در کانون توجه قرار داد و مسائل و مشکلات و نقاط ضعف و قوت این حوزه را با حضور کارشناسان مربوطه به بحث و بررسی گذاشت. دکتر غلامرضا امین، استاد دانشکده داروسازی دانشگاه تهران، دکتر پیمان یوسفی‌آذر، مشاور وزیر جهاد کشاورزی و مجری طرح ملی گیاهان دارویی، دکتر فریبرز غیبی، رئیس جنگل‌های خارج از شمال و مجری طرح ملی گیاهان دارویی در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و دکتر فاطمه سفیدکن، معاون پژوهش، فناوری و انتقال یافته مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، به میزبانی دکتر بهلول عباس‌زاده، رئیس بخش گیاهان دارویی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، در این میزگرد حضور داشتند. بررسی مزیت نسبی گیاهان دارویی در ایران، چگونگی اقتصادی کردن چرخه تولید این گیاهان و عرضه آنها به بازارهای داخلی و خارجی، لزوم تدوین استانداردهای مربوطه و غیره از جمله مسائلی بود که مورد بررسی قرار گرفت.

طبیعت ایران: از نظر شما مزیت نسبی گیاهان دارویی در ایران چیست؟

دکتر امین: ویژگی دارویی بودن گیاهان موضوعاتی را مطرح می‌کنند که عبارتند از: ۱. وقتی گیاهی به عنوان «گیاه دارویی» مطرح می‌شود در حقیقت یک گیاه دارویی رسمی است یا خیر؟ ۲. آیا این گیاه در میان گذشتگان ما اعم از نوشته‌ها و اطلاعات منتقل شده به صورت سینه‌به‌سینه نیز



دکتر فاطمه سفیدکن



دکتر بهلول عباس‌زاده



دکتر فریبرز غیبی



دکتر پیمان یوسفی‌آذر



دکتر غلامرضا امین

گیاه دارویی معرفی شده یا خیر؟ در حقیقت پرسش اصلی این است که چقدر از این گیاهان دارویی به صورت رسمی تأیید و در سیستم اطلاعات دارویی کشور و دنیا وارد شده‌اند؟ و اطلاعات مربوط به این گیاهان را چگونه می‌توان به دست آورد؟

خوشبختانه در ایران و کشورهای منطقه، تنوع آب‌وهوایی از مزیت‌های گیاهان دارویی است؛ به طوری که از بین ۱۳ اقلیم دنیا به صورت کلی ۵ اقلیم در ایران وجود دارد. در هر اقلیم تعداد زیادی از این گونه‌های گیاهی حضور دارند که می‌توانند به طور رسمی در سیستم دارویی ایران وارد شوند. همچنین امکان سازگاری گونه‌های وارداتی از دیگر مزیت‌های کشور ما در حوزه گیاهان دارویی است.

دکتر یوسفی آذر: پاسخ به این سؤال را می‌خواهم در دو بخش بیان کنم؛ یکی اینکه مزیت کشور ما چیست و آیا ما باید در بخش «خودروسازی» سرمایه‌گذاری کنیم؟ بنده قبل از ورود به این بحث

واقعاً می‌خواهم این موضوع را مطرح کنم ما هرگز به گیاهان دارویی به عنوان یک مزیت نسبی در کشور نگاه نکرده‌ایم و فقط حرفش را زده‌ایم! دهه‌هاست که فقط می‌گوییم گیاهان دارویی عالی است و غیره، حال سؤال این است که مزیت نسبی کشور ما در تولید چه چیزی است؟ آیا ما باید سرمایه کشور را در بخش‌هایی مانند خودروسازی متمرکز کنیم؟ این شرکت‌ها همین دو سال پیش هزار میلیارد تومان کمک گرفتند تا سرپا بمانند! حال اگر گفته شود که ۲۰۰ میلیارد تومان به بخش گیاهان دارویی اختصاص پیدا کند، آیا چنین اتفاقی خواهد افتاد و این موضوع را می‌پذیرند؟!

حدود ده سال پیش در محضر اساتید حوزه منابع طبیعی و دوستان داروساز به این نتیجه رسیدیم که یکی از مزیت‌های نسبی درجه یک یا دو کشور ما گیاهان دارویی است. به همین دلیل باید از صرف کردن این همه پول و سرمایه بی‌هدف و بیهوده در برخی صنایع پرهیز کنیم. ما در صنعت خودروسازی چگونه می‌خواهیم با خودروسازان آلمانی یا شرکت‌هایی مانند تویوتا رقابت کنیم؟ ما هیچ وقت خودروساز نخواهیم شد! هیچ وقت؛ کشوری مثل آلمان در حوزه نوشیدنی مثل کوکاکولا و پپسی وارد رقابت نمی‌شود و می‌گوید من هیچ وقت حریف کوکاکولا و پپسی نخواهم شد! ولی ما می‌آییم با صرف میلیاردها تومان زمزم و غیره تولید می‌کنیم؛ غافل از اینکه زمزم ما چه مزیت نسبی نسبت به کوکاکولا و پپسی دارد؟ ما باید برخی واقعیت‌ها را در حوزه برنامه‌ریزی بپذیریم. اگر پنج راهبرد برای تولید در کشور برشماریم، قطعاً یکی از آنها گیاهان دارویی است. چون ما اقلیمش را داریم و خاک و تنوع گیاهی در کشور این امکان را به ما می‌دهد. مثلاً از دوستان تحقیقاتی می‌شنویم که گیاهی را در کشور شناسایی کرده‌اند که بیش از شش درصد اسانس دارد. سؤال این است که

## گیاهان

دارویی نسبت به

سایر حوزه‌های کشاورزی و

صنعتی ما چه مزیتی دارند؟ این

گیاهان در شرایط فعلی تغییرات اقلیمی

کشور بهترین گزینه پیشنهادی هستند چون

نیاز به آب کمی داشته و قابلیت سازگاری دارند.

می‌توان زعفران را با کمترین هزینه و آب تولید

کرد. یا باریجه در مرتع با کوچک‌ترین اقدام احیا

و تولید می‌شود. اگر دو سال مرتع قرق شود بدون

هزینه و با یک بذریاشی ساده پوشش

گیاهی آن کامل می‌شود. باید

سیاست‌گذاری‌ها را در بخش

گیاهان دارویی بازنگری و مرور

کنیم. در حوزه درون‌بخشی با

کمترین هزینه می‌توان ارزش

افزوده قابل قبولی را ایجاد

کرد. می‌توان با کمترین

فشار به منابع، آویشن، گل

محمدی و سایر گونه‌ها

را به صورت دیم‌کاری تولید

کرد. بیش از شصت درصد

گیاهان دارویی را می‌توان

به صورت دیم تولید

کرد. اما متأسفانه

به این

مزیت‌ها توجه نشده و برای صنعتی که می‌تواند درآمدزا باشد اهمیتی قائل نمی‌شوند. در طول پنجاه سال گذشته هیچ حمایتی از گیاهان دارویی نشده است. سیاست حمایتی ما در سطح کلان از گیاهانی مثل زعفران، شیرین بیان و باریجه در گذشته چه بوده است؟

دکتر غیبی: اگر بخواهیم در مورد مزیت نسبی گیاهان

دارویی صحبت کنیم باید گفت که این بخش یک

ظرفیت و قابلیت غنی است که متأسفانه در

کشور مغفول مانده و نتوانسته‌ایم آن گونه که

شایسته و بایسته است به آن پردازیم.

در منابع طبیعی، مرتع محلی

است که مورد تعلیف



دام

قرار می‌گیرد. از

لحاظ قانونی مراتع را همیشه

به‌عنوان منبع علوفه مطرح می‌کنند و

به ارزش قابلیت‌هایی که در زمینه گیاهان

دارویی دارد، بی‌توجهی شده است. تنوع گیاهان

دارویی ما بی‌نظیر است و با توجه به وضعیت اقلیمی

کشورمان، گیاهان دارویی می‌توانند جایگزین بسیار

مناسبی برای فعالیت‌های مرتعداری و دامداری لجام‌گسیخته

در مراتع باشند. طبق آمارهای موجود در مراتع ۲/۲ برابر

ظرفیت، دام حضور دارد. یکی از دلایل اصلی جاری شدن

سیل در استان‌های گلستان و چهارمحال و بختیاری، تخریب

مراتع بوده؛ در صورتی‌که گیاهان دارویی در همان مراتع به‌لحاظ



ایجاد پوشش گیاهی و بهره‌وری، چندین برابر دام ارزش خواهند

داشت. مرحوم سجادیان و آقای مهندس غلامی از مرکز تحقیقات

منابع طبیعی خراسان رضوی از گیاه آنگوزه در سال چهارم مقدار

۱۲۷۰ کیلوگرم در هکتار برداشت کرده بودند؛ یعنی ۱۲۷ میلیون

تومان درآمد ناخالص در هکتار برای ۴ سال. سؤال این است که

زراعت کدام محصول یا بهره‌برداری از کدام دامداری در یک

هکتار می‌تواند این‌قدر سود داشته باشد؟

وزیر محترم وزارت جهاد کشاورزی فرمودند که

دو میلیون هکتار دیم‌زار کم‌بازده در کشور وجود

دارد که قابل زراعت نیستند. نکته اینجاست که

وقتی مراتع تخریب می‌شوند دو گونه اسفند و

خارشتر توسعه پیدا می‌کنند که هر دو گیاه

دارویی محسوب می‌شوند. بنابراین

باید نگرش در منابع طبیعی و

گیاهان دارویی چه

در بخش زراعت و چه در بخش منابع کشور برعکس شود. در

عرصه‌های منابع طبیعی نباید در ابتدا به دنبال بهره‌برداری باشیم

بلکه باید اول احیا و توسعه صورت گیرد. اگر رویشگاه‌ها توان

تولید داشتند در آن صورت بهره‌برداری در حد توان مراتع یا کمتر

از آن انجام شود. اگر به این نحو مدیریت کنیم حتماً نسبت احیا

به بهره‌برداری مثبت شده و با گذر زمان علاوه‌بر رسیدن به تولید

کلیماکس، امکان بهره‌برداری بلندمدت نیز میسر خواهد شد.

دکتر سفیدکن: وجود تنوع اقلیمی در ایران یکی از دلایل

به‌وجود آمدن گونه‌های گیاهی بومی و انحصاری متعدد در کشور

شده است. تحقیقات مؤسسه نشان داده است که برخی از گونه‌های

دارویی بومی و انحصاری از بسیاری از گونه‌های دنیا که اکنون در

سطح تجاری کشت و فراوری می‌شوند، از نظر نوع و میزان ماده

مؤثره برتری داشته و ارزش افزوده بیشتری ایجاد می‌کنند. برای مثال

آویشن دناپی که گونه انحصاری ایران است هم درصد اسانسش

از آویشن باغی، که گونه تجاری دنیاست، بیشتر است (حدود ۲

برابر) هم میزان تیمول بیشتری (حدود ۷۰ تا ۹۰ درصد) دارد که

باعث برتری کیفیت اسانس آن نسبت به آویشن باغی می‌شود.

این یکی از مزیت‌های نسبی گیاهان دارویی ایران است یعنی

وجود گونه‌های دارویی انحصاری با کمیت و کیفیت مناسب از مواد

مؤثره که می‌تواند در بازار جهانی با محصولات مشابه رقابت کند.

مزیت دوم نیاز آبی پایین گیاهان دارویی نسبت به بسیاری از

محصولات زراعی است. به علت کم‌توقع بودن گیاهان دارویی در شرایط

بحران کم‌آبی در کشور و افت سفره‌های آب زیرزمینی، کشت گیاهان

دارویی می‌تواند با مصرف آب بسیار کمتر، ارزش افزوده بالاتری را تولید

کند. برای مثال تحقیقات مؤسسه در مورد گونه‌های مختلف مرزه نشان

داده، تحت برخی شرایط تغذیه‌ای از کشت یکی از گونه‌های انحصاری

مرزه در ایران در یک هکتار ۱۰۰ تا ۱۱۰ لیتر اسانس به‌دست می‌آید.

اگر قیمت هر لیتر اسانس مرزه را حدود سیصد هزار تومان در نظر بگیریم

یعنی حدود سی میلیون تومان از فروش اسانس مرزه از یک هکتار

به‌دست می‌آید که در مقایسه با یک هکتار کشت‌های زراعی معمولی

بسیار بالاست.

دیدگاه بنده هم این است که حوزه کشاورزی یک تجدیدنظر جدی

نیاز دارد. از چند محصول راهبردی که بگذریم بحث خودکفایی در سایر

محصولات کشاورزی را باید کنار گذاشت. کشور ما در حدی آب ندارد

که بخواهیم در هر محصول کشاورزی خودکفا بشویم. با توسعه کشت

گیاهان دارویی، هم‌زمان با مصرف آب کمتر، می‌توان شغل و درآمد بیشتر

ایجاد کرد. به عبارت دیگر باید جایگزینی برخی کشت‌های معمول با

کشت هدفمند گیاهان دارویی مورد توجه جدی قرار گیرد. البته این که

چه گیاهانی را بکاریم هم باید با دقت و توجه به کلیه اصول علمی و

شناخت بازار صورت گیرد.

یک موضوع دیگر که در گیاهان دارویی کشور یک مزیت محسوب

می‌شود، سابقه تاریخی و فرهنگی دیرینه در ایران است. دانش بومی و

طب سنتی یا طب ایرانی، باعث آمادگی پذیرش مصرف گیاهان دارویی در

جامعه شده است. البته توجه روزافزون جامعه و بازارهای جهانی هم به

انجام شده  
 واکثر این گیاهان از عرصه‌های  
 منابع طبیعی برداشت شده‌اند که تعداد  
 زیادی از این برداشت‌ها غیرمجاز و غیراصولی  
 بوده و متأسفانه تخریب عرصه‌های طبیعی را به دنبال  
 داشته است. طبق بررسی همکاران ما در سازمان جنگلها،  
 مراتع و آبخیزداری، در کشور، برای عرصه‌های طبیعی، گاه  
 تا بیش از ۱۰ برابر حدمجاز مجوز صادر شده است و امکان  
 کنترل برداشت‌های غیرمجاز و خرده‌فروشی‌ها نیز وجود ندارد.  
 بنابراین باید در زمینه گیاهانی که می‌خواهیم اقتصادی  
 شوند، بهره‌برداری از طبیعت را به صورت کنترل‌شده انجام  
 دهیم و بیشتر به سمت زراعی کردن آنها برنامه‌ریزی کرده و  
 حرکت کنیم.



دکتر سفیدکن: واقعیت

این است که اگر بخواهیم  
 در کشور اجرایی و عملیاتی  
 فکر کنیم، ابتدا باید  
 در مورد چند  
 گیاه دارویی  
 اساسی  
 متمرکز

شده و مشکلات موجود در راه توسعه آنها را حل کنیم. در حال حاضر حداقل ۳ گیاه دارویی مشخص داریم که سال‌های سال است مردم می‌کارند یا بهره‌برداری می‌کنند و بازار داخلی و خارجی برایشان داریم. این گیاهان زعفران، گل محمدی و شیرین بیان هستند. مهم‌ترین کار ابتدا این است که مشکلاتی که در دل این کشت و صنعت‌ها هست را حل بکنیم. به نحوی که ضمن حفظ بازار فعلی در دنیا، بتوانیم بازار این محصولات را توسعه دهیم. برای مثال ایران اولین و بزرگ‌ترین تولیدکننده زعفران در دنیاست. معاونت امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده سطح زیر کشت زعفران به صد و پنج هزار هکتار رسیده است که به نوبه خود اتفاق خوبی است. ولی از طرف دیگر واقعاً سهم ایران در تجارت جهانی زعفران چقدر است؟ اصلاً دنیا چقدر ایران را در زعفران می‌شناسد؟ ما همچنان

همین سمت است. یعنی این گرایش فقط در کشور ما نیست، بلکه جهانی است. کل بازار دنیا این آمادگی را دارد که محصولات طبیعی و گیاهی استاندارد و با کیفیت را جایگزین مواد شیمیایی کند و این مسیر را برای صادرات فرآورده‌های حاصل از گیاهان دارویی از ایران باز می‌کند. دکتر عباس زاده: در این حوزه یکی دیگر از ظرفیت‌ها، در زمینه علمی و نیروی انسانی است. به نظر من در کشور ما نیروی تحصیل‌کرده و فنی یک قابلیت ویژه محسوب می‌شوند که باید از توانشان استفاده کرد. همچنین باید شرکت‌های فعال و سرمایه‌گذاری‌های هرچند اندکی که در زمینه گیاهان دارویی صورت گرفته را نیز به موارد یادشده اضافه کرد.

طبیعت ایران: چگونه می‌توان گیاهان دارویی را به یک اقتصاد تبدیل کرد؟ به عبارتی برای اینکه گیاهان دارویی به لحاظ اقتصادی در کشور به جایگاه واقعی و قابل قبولی برسد چه کار باید کرد؟

دکتر یوسفی‌آذر: به نظر من این سؤال یکی از مهم‌ترین سؤالاتی است که باید به آن پاسخ دهیم.

اگر ما می‌خواهیم گیاهان دارویی را به اقتصاد تبدیل کنیم باید به صورت سیستم کسب‌وکار و نگاه زنجیره‌ای با این موضوع برخورد کنیم. به غیر از این اگر بخواهیم همان نگاه تولیدمحور یا کشاورزی تولیدی داشته باشیم، درجا خواهیم زد و مطمئناً این حوزه، به یک اقتصاد تبدیل نخواهد شد. تغییر نگاه از کشاورزی تولیدی به کشاورزی **Agro business** یا کشاورزی کسب‌وکار باید محور قرار گیرد. در این نگاه باید مرحله تولید یا تأمین، فراوری، بازار، تحقیقات و طراحی حلقه‌های به هم پیوسته در نظر گرفته شوند تا بتوان گیاهان دارویی را به یک تجارت و اقتصاد تبدیل کرد. اولین نکته این است که تولید باید براساس استانداردهای واقعی و مبتنی بر نیاز جامعه انجام شود. معمولاً در این نگاه نیازسنجی از بازار و تحقیقات شروع می‌شود؛ یعنی باید براساس نیاز جامعه و بازار، یافته‌های تحقیقاتی و تولید انجام شود. دومین نکته، داشتن رویکرد بین‌المللی به موضوع بازار گیاهان دارویی است. ما نباید فقط معطوف به بازار داخلی کشورمان باشیم. در یک اقتصاد پایدار، حرف اول را بازار مصرف می‌زند. سومین نکته این است که تولید باید استاندارد باشد.

دکتر غیبی: به نظر بنده برای اقتصادی کردن گیاهان دارویی اولین موضوع شناسایی آن دسته از گیاهان دارویی است که توجیه اقتصادی دارند. مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، گونه‌های اولویت‌دار را مشخص کرده است. ما باید بدانیم از این همه گیاه دارویی کدام دارای توجیه اقتصادی بوده، کدام یک ماده مؤثره خاص دارند و قابل سرمایه‌گذاری هستند؟ فکر می‌کنم یکی از اولویت‌های ما باید سرمایه‌گذاری در زمینه گیاهان دارویی انحصاری باشد. دومین مسئله کشت و اهلی و زراعی کردن آنهاست؛ زیرا اکنون متأسفانه برداشت از طبیعت زیاد شده است. با توجه به اینکه امسال بازار گیاهان دارویی اندکی رونق گرفته، دو برابر سال گذشته صادرات





داریم زعفران را به صورت فله‌ای صادر می‌کنیم و اسپانیا یا امارات آن را می‌خرند، بسته‌بندی می‌کند و ارزش افزوده اصلی نصیب آنها می‌شود. چرا ما این مشکل را حل نمی‌کنیم؟ واقعاً اینقدر پیچیده است؟ اگر همین گیاهانی را که الان داریم و بازارهای آنها وجود دارد بتوانیم مشکلاتش را حل کنیم شاید خیلی آسان‌تر از این باشد که برویم سراغ گیاهی که در دنیا شناخته شده نیست. مثال دیگر گل محمدی است. بلغارستان خیلی دیرتر از ایران کشت گل محمدی را شروع کرده است ولی سهم بیشتری از تجارت جهانی آن را دارد. در بازدیدی که من به همین منظور از کشت و صنعت گل محمدی در بلغارستان داشتم کل تفاوت با ایران را در یک چیز دیدم: وجود کارخانجات متعدد اسانس‌گیری در کنار مزارع و البته با سیستم صنعتی صحیح اسانس‌گیری. در مناطق وسیعی دو طرف جاده گل محمدی کشت شده بود و در یک مسیر ۳۰ تا ۴۰ کیلومتری ده‌ها

کارخانه اسانس‌گیری دیده می‌شد. کارخانه‌هایی که همه یک سیستم اسانس‌گیری صحیح داشتند یعنی دو اسانس از گل محمدی می‌گرفتند که در علم شیمی به اسانس اول و دوم معروفند و مکمل هم هستند. این دو اسانس بسته به درخواست مشتری، گاه جداگانه فروخته می‌شوند و گاه با هم مخلوط شده و به فروش می‌رسند. این سیستم اسانس‌گیری گرچه چیز پیچیده‌ای نیست ولی همچنان در صنایع ایران وجود ندارد. صنعت ما صنعت عرق‌گیری است، همان سیستم سنتی گلاب‌گیری که فقط دستگاه‌هایش استیل شده و بزرگ‌تر شده است. انتهای گلاب‌گیری هم هرچه باقی ماند و قابل حل در آب نبود، می‌شود اسانس. این است که تفاوت قیمت اسانس گل محمدی تولید شده در ایران با گل محمدی بلغارستان فاحش است. تقریباً ما به قیمت یک سوم تا یک چهارم آنها می‌فروشیم چون فقط گلاب می‌گیریم. صادرات گلاب با حجم بسیار زیاد (نسبت به اسانس) هم مشکل‌تر است و هم ارزش افزوده پایین‌تری دارد. منظور من این نیست که گلاب تولید نشود. به‌رحال گلاب هم در ایران و هم در کشورهای همسایه مشتریان خودش را دارد ولی اگر می‌خواهیم سطح زیر کشت گل محمدی را افزایش دهیم و در بازارهای جهانی هم سهم مناسب‌تری داشته باشیم باید به فکر اصلاح سیستم صنعتی اسانس‌گیری و توسعه تعداد واحدهای صنعتی باشیم. در مورد شیرین‌بیان هم مشکلات خاصی داریم. در حال حاضر ده‌ها کارخانه داریم که از شیرین‌بیان عصاره می‌گیرند، صادر می‌کنند، بازار دارند ولی الان در حد یک سوم ظرفیت واقعی‌شان کار می‌کنند. به گفته دبیر اتحادیه تولیدی صادراتی شیرین‌بیان ایران، بیشتر از دو سوم ظرفیت این کارخانجات خالی است. چراکه هرچه شیرین‌بیان در طبیعت وجود داشت برداشت کردند و کار جدی برای کشت آن انجام نشد. الان شیرین‌بیان را از افغانستان وارد می‌کنند. منظورم این نیست که وارد کردن شیرین‌بیان خوب نیست. هر گیاه خامی به ایران

وارد و در اینجا فراوری و صادر شود، ارزش افزوده ایجاد می‌شود. ولی با توجه به اینکه در افغانستان هم شیرین‌بیان از طبیعت برداشت می‌شود، چند سال دیگر شیرین‌بیان آنجا هم نابود می‌شود. چرا این مشکل را حل نمی‌کنیم؟ چرا اقدام جدی برای کشت و یا حداقل احیای شیرین‌بیان در رویشگاه‌هایی که از آنها برداشت انجام می‌شود، صورت نمی‌گیرد؟ تازه مجوز کارخانه‌های جدید دیگری هم داده شده است. حل کردن مشکلات این سه گیاه دارویی بسیار مهم خیلی هم پیچیده نیست. چرا این اتفاقات می‌افتد؟ چه کسی باید برای حل این مشکلات قدم بردارد که بر نمی‌دارد؟ واقعاً بنده هم نمی‌دانم. به‌نظرم این یکی از مهم‌ترین مسائل است که باید مورد توجه قرار گیرد.

یک نکته دیگر که دوستان هم به‌نحوی اشاره کردند و من هم به آن اعتقاد دارم این است که اگر فقط بخواهیم بر بازارهای داخلی تکیه کنیم گیاهان دارویی به یک اقتصاد تبدیل نمی‌شود. البته توجه به نیاز بازار داخل موردنیاز هست. چون توجه به سلامت جامعه مهم است. جایگزین کردن داروهای گیاهی با برخی از داروهای شیمیایی در کشور لازم است. از این مسیر هم یک سری شغل ایجاد می‌شود. ولی اگر بخواهیم گیاهان دارویی را به یک اقتصاد بزرگ تبدیل کنیم، باید نیاز بازار جهانی را بشناسیم، براساس نیاز این بازار و با توجه به ظرفیت کشور خودمان گیاه و فراورده تولید کرده و در آن بازار سهم مناسب خود را پیدا کنیم.

یک موضوع دیگر از نظر بنده حرکت از سمت کشت‌های کوچک به سمت کشت‌و صنعت‌های بزرگ است. البته مشکل کشت‌های کوچک و فردی در کل کشاورزی ما وجود دارد و نه فقط گیاهان دارویی، ولی در مورد گیاهان دارویی کشت وسیع و مکانیزه و در کنار آن صنعت فراوری اهمیت بیشتری دارد. وقتی ما کشت‌های کوچک نیم‌هکتاری، یک هکتاری داریم نه امکان به‌کاربردن ماشین‌آلات کشاورزی و مکانیزاسیون را در آن داریم و نه امکان تولید وسیع یکنواخت و با کیفیت. اول اینکه هر مزرعه‌ای محصول خود را در یک سطحی از استاندارد و کیفیت تولید می‌کند، دوم اینکه، هزینه تولید بدون استفاده از ماشین‌آلات بالاست. محصول این مزارع کوچک معمولاً به واسطه‌ها و دلالان فروخته می‌شود و گاه با





ارزش واقعی را برای گیاهان دارویی ایجاد کرد.

دکتر امین: گیاهان دارویی چندین سیاستی هستند، این حقیقت را قبول کنید که اگر شما این چندین سیاستی را باز کنید آنقدر

سازمان‌ها و ارگان‌های

مختلف درگیر این

موضوع هستند که فکر

نمی‌کنم هیچ صنعت

دیگری اینقدر درگیری

داشته باشد و این

نشان می‌دهد

اگر شما

بروید به سمت

گیاهان

دارویی چه

کار بزرگی را

می‌توانید در

طبیعت ایران: این هماهنگی بین ارگان‌های مختلف کجا و چگونه باید انجام شود؟ آیا باید در سطح ملی باشد؟ آیا ستاد گیاهان دارویی در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری توانسته این نقش را ایفا کند؟

دکتر امین: به نظر من توانسته و این ما هستیم که باید این ستاد را تقویت کنیم. ما باید اطلاعات بدهیم و حمایت کنیم. سازمان‌هایی در حاشیه این ستاد حضور دارند اما این ستاد در اصل مرکزی با ده نفر پرسنل است. بنده فکر می‌کنم تمام سازمان‌ها باید پرسنل این سازمان باشند و همه در برابر آن مسئولیت داشته و کمک کنیم.

طبیعت ایران: برای بازارهای داخلی و خارجی چه فکری باید کرد؟ برنامه‌ریزی و اجرا چگونه باید باشد؟

دکتر غیبی: یکی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه‌ریزی، بازاریابی و بازرگانی است که متأسفانه مغفول مانده است. ابتدا باید یک برنامه‌ریزی کلی در کشور صورت گیرد. از تولیدکننده در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و سازمان جهاد کشاورزی میزان توانایی تولیدشان را جویا شوند و براساس میزان عرضه و تقاضا، وضعیت بازار هم مشخص شود تا مثل آلوئه‌ورا، محصول روی دست بهره‌بردار نماند، بنابراین بازاریابی در

مملکت انجام دهید و چقدر نیرو می‌توانید به‌کار بگیرید به شرط اینکه همه این سازمان‌ها و ارگان‌ها حاضر به همکاری بایکدیگر باشند.

ما جزایر آباد جدا از هم هستیم. این جزایر به درد نمی‌خورند. باید در حوزه گیاهان دارویی مرکزی باشد که به‌عنوان هماهنگ‌کننده و اتصال‌دهنده وزارت جهاد کشاورزی، دانشگاه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، استاندارد و بازاریاب به‌خصوص بازار صادرات عمل کند. الان کشورهای اطراف ایران برای خرید گیاهان دارویی از ما گواهی اروپا (GE)، ایزو و سایر استانداردها را می‌خواهند.

مسئله بعدی آموزش صحیح و اصولی کاردانان و کارشناسان بخش کشاورزی و تربیت و بهره‌گیری از مسئولان فنی برای بخش‌های مختلف گیاهان دارویی از مزرعه تا کارخانجات و مصرف است. همچنین کمبود مکانیزاسیون از دیگر موانع اقتصادی گیاهان دارویی محسوب می‌شود. ترغیب، تشویق و راضی نگه داشتن بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری هم از دیگر مواردی است که باید به آنها توجه شود. سیاست‌گذاری همراه با ترغیب و تشویق شرکت‌های مختلف برای استفاده از گیاهان دارویی و ماده مؤثره آنها در صنایع غذایی، دارویی، آرایشی و بهداشتی وظیفه ستاد گیاهان دارویی است.

چند واسطه، قیمت نهایی به‌صورت کاذب بالا می‌رود. ما باید ایجاد کشت و صنعت در گیاهان دارویی را به‌عنوان یک سیاست و راهبرد برای بالا بردن جایگاه اقتصادی گیاهان دارویی مدنظر قرار دهیم.

موضوع دیگر سیاست‌های وزارت بهداشت است. شما می‌دانید که دسته اول داروهایی که وزارت بهداشت برای تولید آنها مجوز می‌دهد داروهایی هستند که قبلاً در کشورهای دیگر ساخته شده باشند. این موضوع بسیاری از شرکت‌های داخلی را به این سمت سوق می‌دهد که از داروهای گیاهی کشورهای دیگر کپی‌برداری کنند حتی چه بسا گیاه مورد استفاده در آن دارو در ایران وجود ندارد و باید گیاه را از خارج وارد کرد یا تازه کشت و کار کردن آن را در ایران شروع کرد. چنین گیاهی در مقایسه با گیاهانی که خودمان به صورت بومی داریم نمی‌تواند مزیتی داشته باشد. در صورتی که تولید دارو از گیاهان بومی و انحصاری برای اولین بار به‌شدت سخت است. منظور بنده این نیست که اصلاً نباید سخت‌گیری باشد، باید استانداردها

رعایت بشود. ولی این موضوع نیاز به حمایت دارد. وزارت بهداشت می‌تواند آزمایشگاه‌های مطمئنی را برای این کار درست کند و به شرکت‌هایی که از گیاهان بومی و انحصاری دارو تولید می‌کنند کمک کند. وقتی برای اولین بار یک گیاه بومی در ایران کشت و فرآوری می‌شود، بهتر وارد بازار جهانی می‌شود، چون نمونه‌اش در خارج از ایران وجود ندارد. این نکته در عین حال که به‌نظر کوچک می‌رسد بسیار مهم است، چون می‌تواند مسیری را ایجاد کند برای کشت و تولید تعدادی از گیاهان دارویی انحصاری ایران که می‌توانند در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشند.

اگر در ایران از آویشن باغی یا مریم‌گلی که هزار جای دیگر هم وجود دارد فرآورده تهیه شود، مصرف آن در نهایت در بازار داخلی است ضمن اینکه اگر این گیاه در ایران کشت شود معمولاً ماده مؤثره و عملکردش نسبت به رویشگاه اصلی پایین‌تر است و محصولات حاصل از این گیاهان در بازارهای جهانی قابل رقابت با محصولات سایر کشورها نیستند. ولی اگر روی گونه‌های بومی و انحصاری خودمان متمرکز بشویم و البته در آن طرف مرزها هم تبلیغاتش را داشته باشیم و بازاریارش را هم حفظ کنیم و نگذاریم مثل زعفران بشود اینگونه بهتر می‌توان



داخل و خارج، مسئله بسیار مهمی است. باید برنامه هر بخش مشخص شود. به نظر بنده ستاد گیاهان دارویی نتوانسته کار را به سرانجام برساند. چرا براساس سند ملی گیاهان دارویی، وزارت جهاد کشاورزی نتوانسته افزایش سطح تولید ۵۰۰ هزار هکتار را در برنامه ششم توسعه لحاظ کند و ۲۵۰ هکتار در نظر گرفته شده است؟ در حالی که ستاد گیاهان دارویی به عنوان یک ستاد بالادست برای وزارت جهاد کشاورزی تا پایان آق ۱۴۰۴ زراعت ۵۰۰ هزار هکتار را تعیین کرده بود. دلیلش این است که شاید کار کارشناسی نشده بود. به نظر بنده برای رونق گیاهان دارویی تشکیل بانک‌های اطلاعاتی برای همه افراد و همه محصولات از مهم‌ترین کارهایی است که باید در برنامه کار مجری محترم گیاهان دارویی یا ستاد گیاهان دارویی قرار گیرد و همه باید عضو این بانک‌های اطلاعاتی باشند. امسال محصولات چند طرح توسعه روی دست بهره‌برداران ماند و در فروش آنفوزه و برخی محصولات مشکل داشتند. وجود واسطه‌ها و دلال‌ها هم یکی دیگر از مشکلات است. همین‌طور اتحادیه‌ها به جای صنفی عمل کردن بیشتر به صورت بانندی عمل می‌کنند و بهره‌برداران خرده‌پا متضرر می‌شوند. دولت باید به عنوان یک تسهیل‌گر و کمک‌کننده عمل کند و بخش خصوصی نباید دولت را رقیب خود بداند.

دکتر یوسفی‌آذر: ما با بازار داخلی و خارجی مواجه هستیم و باید با هر دو حوزه درست و اصولی برخورد کنیم. در داخل مرزها ظرفیت‌سازی نکرده‌ایم؛ نیروی انسانی و کارشناس بازرگانی خوب تربیت نکرده‌ایم؛ کارشناس بازرگانی بین‌المللی هم که زبان بازار را بلد باشد و

بتواند انگلیسی هم مذاکره کند، نداریم. در حوزه بین‌المللی فاقد استراتژی هستیم. باید بازار را به دست اهلس بسپاریم. همه نباید در تمام حوزه‌ها وارد شوند. الان تولیدکننده می‌خواهد کارخانه بزند. کارخانه‌دار هم می‌خواهد صادر کند و این اصلاً کار اصولی و درستی نیست.

دکتر امین: ما هنوز از لاک سنتی خود خارج نشده‌ایم. یعنی مثلاً بنده چیزی را قبول ندارم یا نمی‌خواهم به آن فکر کنم. قالب‌های سنتی در بازارهای داخلی این اجازه را به ما نداده که بتوانیم فکر دیگری بکنیم. ظرفیت بازارهای داخلی هنوز شناسایی نشده و مطالعه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. همچنین سازمان‌ها و تولیدکنندگان مختلف هر کدام

کنیم یا به عبارتی همه فعالان این حوزه اعم از کشاورزان، بهره‌برداران، شرکت‌ها، عطاری‌ها و غیره را دانش‌محور کنیم و از دانش بسیاری که در مرکز تحقیقات، دانشگاه‌ها و غیره وجود دارد بهره‌مند سازیم، این کار چگونه امکان‌پذیر است؟

دکتر امین: اول باید ببینیم که در بخش دارویی، غذایی، آرایشی و بهداشتی یا صادرات چه استانداردهایی لازم داریم. سازمان‌ها هم باید سنگ‌هایشان را با یکدیگر وا بکنند؛ می‌خواستند بخشی از استانداردهای غذایی را از وزارت بهداشت و درمان جدا کنند و به سازمان استاندارد بدهند که اگر این کار انجام می‌شد قطعاً نظارت به صورت کامل برداشته می‌شد.



بنابراین خود این سازمان‌ها باید برای اجرای استانداردهای موجود هماهنگی لازم را داشته باشند.

به عنوان مثال استاندارد برای گیاهان دارویی اعم از بسته‌بندی، تولید دارو و لوازم آرایشی، بهداشتی در سازمان غذا و دارو یک چیز است و در سازمان محیط‌زیست یک چیز دیگر. با این شرایط بخش خصوصی دچار سردرگمی می‌شود. یکی از راه‌های ترغیب بخش خصوصی به همکاری با بخش‌های دولتی و علمی، درست کردن و یکسان‌سازی تعاریف قانونی ما در این حوزه است. تحقیقات سازمان‌های تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی هم باید کاربردی بوده و مورد نیاز جامعه و بخش

برداشت متفاوتی از وضعیت بازارهای داخلی و خارجی دارند. به عبارتی برداشت‌ها متفاوت است و برداشتی که بنده از بازارهای داخلی دارم، همکار بنده در جای دیگر ندارد. ما این ظرفیت‌ها را نمی‌شناسیم.

بنده فکر می‌کنم برای موفقیت بهتر است به سراغ تحقیقاتی برویم که به نتیجه رسیده‌اند. در حقیقت بیاییم گیاهانی را مورد کشت و کار و بهره‌برداری قرار دهیم که همین الان مطمئن هستیم می‌توانند بازارهای داخلی و خارجی مطمئنی داشته باشند. مهم‌تر از همه اینکه بپذیریم صادرات یک کار حرفه‌ای، علمی و فنی است.

طبیعت ایران: اگر بخواهیم در حوزه گیاهان دارویی بین علم و عمل ارتباط برقرار



خصوصی باشد. اگر قرار است آویشن دنیایی جایگزین آویشن باغی شود باید استانداردهایی اعم از بررسی آلودگی‌های میکروبی، وجود فلزات سنگین، ایمنی توکسیکولوژی، فارماکولوژی، بالینی و پس از برداشت را بگذرانند. بنابراین سازمان‌های تحقیقاتی و دانشگاهی باید در بررسی و تأیید استانداردهای مربوطه، به جامعه گیاهان دارویی کمک کنند. باید آزمایشگاه‌های مجهز و متمرکز استاندارد برای ارائه خدمات به بخش خصوصی وجود داشته باشد.

دکتر یوسفی: بسیاری از داروهای گیاهی استاندارد تولید نمی‌شود؛ چون تولیدکنندگان امکانات لازم را ندارند. هیچ‌کسی هم به



عطاری‌ها نظارت نمی‌کند؛ نه سازمان غذا و دارو، نه وزارت صنعت، معدن و تجارت و نه جهاد کشاورزی. فقط اتحادیه صنفی‌شان ناظر است. البته اعلام شد وزارت صنعت، معدن و تجارت نظارت خواهد کرد که این خبر هم تکذیب شد. قطعاً اولین مورد تدوین استانداردها و دوم اجباری کردن همین استانداردها. استانداردها در داخل کشور اجباری نیست بلکه داوطلبانه است، اما باید اجباری شود.

طبیعت ایران: آقای دکتر یوسفی آذر شما به‌عنوان مجری طرح ملی گیاهان دارویی چه حمایت‌هایی را می‌توانید بکنید؟ چه برنامه‌هایی در زمینه استاندارد دارید؟ دکتر یوسفی آذر: الان بنده حاضرم با

استاندارد مکاتبه کرده و استاندارد زعفران را اجباری کنم. اصلاً باید از خرد شروع شود. مثلاً آن چیزی که در عطاری به‌نام آویشن فروخته می‌شود آیا اصلاً آویشن هست یا نه؟ بنده به‌عنوان مجری طرح ملی گیاهان دارویی حتماً از طرح‌های استاندارد حمایت خواهم کرد.

دکتر سفیدکن: مدتهاست که نیاز به تدوین یک سری استاندارد در حوزه گیاهان دارویی و فرآورده‌های آنها به‌شدت احساس می‌شود. اینکه گیاهی که به عنوان دارو استفاده می‌شود خودش سالم است؟ فلز سنگین دارد یا نه؟ باقیمانده سموم در آن وجود دارد؟ چگونه باید صحت نام علمی گیاه را تشخیص داد؟ پیگیری‌های متعدد متخصصین موضوع باعث شد که ستاد گیاهان دارویی با مشارکت سازمان استاندارد و شبکه گیاهان دارویی کارگروهی برای تدوین استانداردهای مورد نیاز ملی تشکیل دهد که اعضای هیئت علمی مؤسسه در آن نقش جدی داشتند. در این کارگروه اولویت ده تا گیاه، ده اسانس و ده عرق برای تدوین استاندارد ملی تعیین شد. بعد از مدت‌ها تشکیل جلسه و رفت‌وبرگشت طرح‌ها، بالاخره زمینه برای تدوین استاندارد یک گیاه، یک اسانس و چهار نوع عرق گیاهی تصویب شد. سازمان استاندارد که اعلام کرد برای اینکار نه پول دارد و نه تخصص لازم را. بالاخره با کمک مالی ستاد گیاهان دارویی استاندارد اسانس مرزه را بنده تدوین کردم و استاندارد آویشن شیرازی را یکی دیگر از اعضای هیئت علمی مؤسسه و استاندارد عرقیات را هم دوستان دیگری از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی دیگر به‌عهده گرفتند. آخر مگر می‌شود با این همه گیاه دارویی و اسانس و عرقیات موجود در کشور، برای تدوین استاندارد اینگونه قدم برداشت؟! از آن مهم‌تر اینکه هیچ‌کدام از این استانداردها اجباری نیستند. البته تعدادی استاندارد در کشور داریم که در حقیقت ترجمه استانداردهای خارجی هستند، نه حاصل بررسی روی همان گیاهان یا اسانس‌ها در داخل کشور. اگرچه در کشور از این استانداردهای

ترجمه شده استفاده می‌کنیم ولی ممکن است با توجه به شرایط اقلیمی ایران خیلی مفید واقع نشوند. ولی در مورد عرقیات هیچ استاندارد خارجی وجود ندارد.

دکتر امین: استانداردهای زیادی مربوط به گیاه داریم اما هیچ‌کدامشان به‌کار ما نمی‌آید. استاندارد باید تعریف شده و کد بگیرد و همچنین اجباری شود. استاندارد خود راه و روش مخصوصی دارد. مثلاً در مورد آویشن شیرازی حداقل باید از ده نقطه در کوه و رویشگاه‌ها نمونه جمع شده و وضعیت پنج، شش عنصر سنگین بررسی و همچنین تعداد خصوصیات گیاه از قبیل شکل، آناتومی، اسانس، باقی‌مانده سموم و غیره مشخص شود. یعنی اگر گیاه این شرایط را داشت در آن صورت قابل استفاده است.

دکتر غیبی: برای پیاده کردن استاندارد باید کارشناسان زبده در سراسر کشور تربیت کنیم. فعلاً شاید فقط در سازمان‌های جهاد کشاورزی و مراکز تحقیقات، معدود افرادی با این مشخصات داریم و نیاز است که کارشناسان فنی در این زمینه آموزش داده شوند.

دکتر امین: مسئول فنی اگر یک مهندس کشاورزی باشد، آموزش ببیند و دوره بازآموزی نیز برود می‌تواند مزرعه را نجات دهد.

طبیعت ایران: از وقتی که در اختیار ما گذاشتید بسیار سپاسگزاریم.